

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

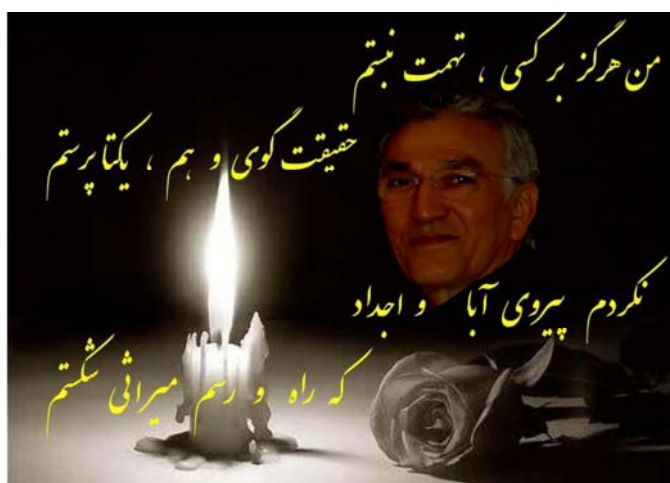
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۲۴ می ۲۰۲۱



زمان ملال

آری، به سر رسید، زمان ملال من
رسم وفا نبود، که با لحن تُند و تیز...
با حرف ناپسند و رکیک و سخیف و زشت
شاید، نئی شد ست، طلیگارِ حُسن تو
بی حُرمتی فزون شد و تصمیم، این چنین
با عشوه و کرشمه و با ناز و با ادا
آرایشِ غلیظ و نگاه های بس رقیق
دیگر نه با شمایل، رنگین و آذرین
ز اندم که رفتی از دل و فکر و خیال من
در نیمه شب تماس و به جنگ وجدال من
کردی حرام، آنچه که بودی، حلال من
از کهنه، دل بریده و گشتی مُحال من
هرگز ترا مباد، مجالِ وصال من
باشی اگر چه در پی، قتل و قتال من
آماج تیرِ غصه، فرستد به حال من
در آسمان برگه، نباشی هلال من

زمانِ ملال

آری، به سر رسید، زمانِ ملالِ من
زاندم که رفتی، از دل و، فکر و، خیالِ من
رسم و فضا نبود که با سخن تُشد و تیسز
در نیمه شب تماش و، به جنگ و جدالِ من
با حرفِ نپاسند و، رلیک و، نحیف و زشت
کردی حرام، آنچه که بودی، حلالِ من
شاید، نومی شدت، طلبگارِ حُسن تو
از کهنه، دل بریده و گشتی مُحالِ من
بی خرمی فنزون شد و، تصمیم، این چنین
هرگز ترا مباد، مجالِ وصالِ من
با عثوه و، کرشمه و، باناز و، با ادا
باشی اگر چه در پی، قتل و قتالِ من
آرایشِ غلیظ و نگاه های بس رقیق
آماج تیسرِ غصه، فرستد به حالِ من
دیگر نه باشمایل، رکنین و، آذین
در آسمانِ برکه، نباشی هلالِ من